



۲۰۱۹/۱۰/۰۹



خالد صدیق

شهر متروک



شهر متروک و هوا سرد است و تاریک آسمان
سخت در ماتم نشسته مردم افغانستان
نا خدایی نیست تا کشتی بسر منزل برد
رادمردان را چه پیش آمد، چه شد نام آوران

آرزو در نطفه خون گردید و آه اندر گلو
انتظار نو بهاری بود، پیش آمد خزان
عرش ها باید بلرزد، قصر ها باید بغلتند
از دو قطره اشک چشم آن یتیم بی جهان

یاری، دلداری، همکاری، ای عاقلان
جنبش مردانه وار، ای عاشقان، ای عارفان
لاله رازست این چمن، از خون آن گلگون کفن
شرمسار است این وطن، از زاده پیر و جوان

نا خود آگه را ز فطرت غفلتی مقذور بود
آن خود آگاهان چرا گشتند، در غفلت نهان

**** **

شهر متروک

Sidiq_khaled_shar_e_matrook.pdf

